

تجزیه و تحلیل بحران کرونا در ایالات متحده با تاکید بر شخصیت نارسیستی دونالد ترامپ، ریشه‌ها و پیامدها

عبدالرضا عالیشاهی^۱ - حسین مسعودنیا^۲ - یونس فروزان^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۱

چکیده

یکی از بحران‌های بزرگی که جهان را در سال ۲۰۲۰ با چالش مواجه نمود، شیوع ویروس کرونا می‌باشد. ایالات متحده که در ابتدای این بحران، از مصون‌ترین کشورها به شمار می‌رفت، اندک زمانی بعد در صدر بیشترین مبتلایان قرار گرفت به نحوی که کرونا در حال حاضر به معضلی لاینحل در آمریکا مبدل گردیده است. در این مقاله، هدف نویسنده‌گان ارائه پاسخ به این پرسش است که مهمترین دلایل ناتوانی ترامپ در کنترل ویروس کرونا در آمریکا چیست؟ و محتمل‌ترین پیامدهای این مسئله کدامند؟ فرضیه نویسنده‌گان با تاکید بر شخصیت مبتنی بر خودشیفتگی ترامپ نشان می‌دهد که به‌زعم وی، شیوع کرونا در آمریکا مبتنی بر دسیسه‌های چین، سازمان جهانی بهداشت و کارکردهای ضعیف دولت قبلی در آمریکا بوده است. یافته‌های مقاله که با بهره‌گیری از تئوری توطئه، منابع مکتوب و مجازی و روش تحلیلی - توصیفی می‌باشد نشان می‌دهند که دلایل اصلی این مسئله را می‌توان به ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی ترامپ در قبال چین، سیاست‌های ناکارآمد مرتبط با سازمان جهانی بهداشت و ضعف قوانین اتخاذ شده از سوی ترامپ در قبال قوانین بهداشتی جامعه آمریکا دانست. پیامدهای این مسئله را می‌توان وقوع یک بحران عظیم اقتصادی در آمریکا، تشدید تنش‌ها با چین و شکست در انتخابات ریاست جمهوری آینده دانست.

واژگان کلیدی: ترامپ، نارسیسم، تئوری توطئه، آمریکا، کرونا، بحران اقتصادی

-
۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir
 ۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
h.masoudnia@ase.ui.ac.ir
 ۳. دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Younes.Forouzan@yahoo.com

مقدمه

اصولا مفهوم توطئه^۱ تبیین‌گر برآیندی از رویکردهای مبتنی بر حيله‌گری است که از سوی فرد یا طیفی از مخالفان صورت می‌گیرد تا نتیجه مورد دلخواه در نهایت بدست آید. معمولا توطئه زمانی مطرح می‌گردد که بحران به اوج خود رسیده و مخالفان به اهداف مطمح نظر خود تا حد زیادی دست یافته‌اند (Yablokov, 2018: 12). در این راستا، تئوری توطئه نیز بالطبع تبیین‌گر این مسئله است که گروهی توطئه‌گر و به صورت پنهانی درصدد ضربه زدن به یک فرد، نهاد، ساختار و یا در سطح کلان کشور هستند (Allen, 2016: 703). البته نوعی برداشت افراطی نیز در میان افراد یا طیف‌هایی که به تئوری توطئه معتقد هستند، وجود دارد. در نگاه اینگونه افراد، تمامی رویدادهای منتهی به زوال و اضمحلال بویژه در نوع سیاسی آن که منتهی به سقوط می‌گردد، ماهیتی بیرونی داشته و مبتنی بر توطئه قدرت‌های بزرگ است. اوج چنین برداشتی تبیین‌گر این مسئله است که عرصه بین‌الملل، عرصه قدرت‌نمایی و توطئه چند نفر یا چند دولت خاص است (Federico; Williams and Vitriol, 2018: 930). البته چنین نگاهی از سوی عبدالکریم سروش چنین مورد نقد قرار گرفته است: «در تاریخ فلسفه سیاسی یک نظریه به نام «نظریه توطئه» وجود دارد. فیلسوفان سیاسی به ما آموخته‌اند که از منحط‌ترین بینش‌های سیاسی این است که آدمی تصور کند جهان و تاریخ به دست چند نفر توطئه‌گر می‌چرخد. وجود توطئه‌گران در جهان را نمی‌توان انکار کرد، اما فرق است میان این که بگوییم توطئه‌گران یکی از عوامل مؤثر حیات جمعی هستند و میان این که بگوییم همه چیز حیات سیاسی به دست توطئه‌گران و به تدبیر سوء آنان می‌چرخد» (سروش، ۱۳۸۶: ۲۸).

هرچند عمده مباحث مرتبط با تئوری توطئه در جوامع در حال توسعه مطرح می‌شود، لیکن در میان جوامع توسعه یافته نیز بعضا نقش توطئه‌گران در تطور و استحاله وقایع سیاسی با اهمیت تلقی می‌گردد، کما اینکه تا مدت‌ها انقلاب کبیر فرانسه، دسیسه بریتانیای کبیر و لژ فراماسون‌ها در نظر گرفته می‌شد (Sapountzis and Condor, 2013: 744). جالب آنکه تئوری توطئه در ایالات متحده نیز سابقه‌ای طولانی دارد؛ به عنوان مثال، کشاکش مارکسیست‌های آمریکایی و هواداران کاپیتالیسم که هر یک دیگری را متهم به دسیسه‌گری برای انحطاط آن یک در نظر می‌گرفتند و یا حتی استقلال ایالات متحده را توطئه

فرانسوی‌ها قلمداد می‌کردند (McKenzie-McHarg, 2018: 69-70) و یا حتی سفیدپوستان آمریکایی همواره سیاهان این کشور را به مثابه یک توطئه برای این کشور نگریسته‌اند (Davis; Wetherell and Henry, 2018: 1005). در عرصه بین‌المللی نیز رگه‌های برجسته‌ای از تئوری توطئه دیده می‌شود. مفهوم نظم نوین جهانی^۱ در این راستا است و اصولاً به معنای دسیسه‌چینی برخی قدرت‌ها برای حاکمیت بر جهان می‌باشد (Jannace and Tiffany, 2019: 1382). نکته مهم دیگر مرتبط با ریشه‌های شکل‌گیری این نوع تفکر است. اصولاً آنچه که بسترساز شکل‌گیری و تقویت تئوری توطئه می‌گردد، ریشه‌های برتری‌جویی است. این برتری می‌تواند در زمینه‌هایی همچون برتری نژادی، برتری اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی باشد اما زمانی که این برتری با چالش و بحران بزرگی مواجه می‌شود، دلایل آن به موضوعات دیگری احاله می‌گردد. همچنین فقدان دانش و آگاهی، فقدان روحیه تساهل و پذیرش نیز از دیگر عوامل مهم در شکل‌گیری و توسعه تئوری توطئه می‌باشد (Leiser; Duani and Wagner-Egger, 2017: 193).

یکی از سیاستمدارانی که شخصیت خودشیفته وی مباحث بسیاری را برانگیخته است، دونالد ترامپ می‌باشد. البته در طول تاریخ، چنین سیاستمداران و رهبرانی زیاد بوده‌اند. از نرون امپراتور روم گرفته تا هیتلر آلمان نازی و استالین و صدام حسین و معمر قذافی و ... (Senior, 2020: 2). از زمان ورود ترامپ به کاخ سفید، بسیاری از سیاست‌های مبتنی بر گفتگو و مذاکره دموکرات‌های دوران او با ما در عرصه بین‌المللی به خصوص در قبال رقبای سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و منطقه‌ای همچون کره شمالی، جمهوری خلق چین، جمهوری فدرال روسیه، جمهوری اسلامی ایران و سوریه به عرصه تاخت و تاز، تهدید، تحریم، تخریب، تحقیر و ترور مبدل گردید (Alishahi and Soleimani, 2020: 4). حتی متحدین استراتژیک ترامپ همچون عربستان سعودی نیز از گزند شخصیت خودشیفته ترامپ مصون نمانده و استفاده از واژه نامتعارف «گاو شیرده» که اشاره به ثروت بی‌شمار سعودی‌ها دارد، یکی از این نمونه‌هاست (مسعودنیا، فروزان و عالی‌شاهی، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در این رابطه یعنی حسن هژمون‌خواهی فزاینده ترامپ بسیاری از نویسندگان و تحلیلگران با بررسی شخصیت سیاسی وی (روانشناسی سیاسی) به شدت بر مشکل خودشیفتگی ترامپ اذعان داشته‌اند. در همین

راستا جان گرو هول^۱، هاوارد گاردنر^۲، ماریا کونیکا^۳ و بسیاری دیگر از تحلیلگران معتقدند که ترامپ تمامی مشخصات یک فرد خودشیفته یا ناریسیست^۴ را دارد (Ethlyn, 2018: 13). به طور کلی، مهمترین مشخصات خودشیفتگی یا ناریسیسم عبارتند از:

- حس خودبزرگ‌بینی همیشگی و درگیری ذهنی در داستان‌های خیالی؛
- تاکید ویژه بر هوش، موفقیت و قدرت تحلیل خود؛
- احساس شدید حسادت یا تصور این مسئله که دیگران به او حسادت می‌کنند؛
- فقدان حس همدردی و عدم توجه به نیازهای دیگران؛
- بروز رفتارهای گستاخانه و نامتعارف؛
- جاه‌طلبی‌های مکرر؛
- اشتیاق وصف نشدنی با تحسین شدن از سوی دیگران و قرار گرفتن در کانون توجهات؛
- وارد کردن انواع اتهامات خیالی به دشمنان و طیف‌های رقیب؛
- تحقیر و تخریب گسترده دشمنان و رقیبا و مخالفان و حتی بعضاً متحدین؛
- دانش و آگاهی اندک در مورد مسائل و کم‌حوصلگی زیاد در تجزیه و تحلیل دقیق مسائل (Pincus and Lukowitsky, 2010: 429-431).

با فراگیر شدن ویروس کووید-۱۹ با نام کرونا که اولین بار در ووهان چین شیوع گسترده‌ای یافت و قربانیان زیادی را نیز به همراه داشت تا فراگیر شدن آن در سراسر دنیا و آمریکا، حدوداً ۳ ماه به طول انجامید. ترامپ که در ابتدای شیوع این بیماری با نوعی خودبینی و اطمینان از مصونیت مردم آمریکا در قبال این ویروس سخن می‌گفت، کمتر از سه ماه بعد به صدر بیشترین مبتلایان در جهان مبدل گردید و نظام ایالات متحده را با بحرانی عظیم مواجه نمود. ترامپ سپس در اقدامی عجیب کرونا را ویروسی چینی نامید و این کشور را مقصر اصلی شیوع این ویروس در جهان نامید (Boot, 2020: 1). با تعمیق بیش از پیش بحران کرونا در آمریکا، ترامپ تاکنون برخی از مخالفان دموکرات خود (اوباما) و نیز طیف‌های رقیب خود را مقصر ناکامی آمریکا در مبارزه با کرونا قلمداد نمود. اوج بحران کرونا در نظام

1. John Grohol
2. Haward Gardner
3. Maria Kunika
4. Narcissism

سیاسی آمریکا تصویب رقم شگفت‌انگیز ۲ تریلیون دلار برای مقابله با کرونا بوده است که البته اذعان شده که کافی نیست (2: Werner and DeBonis, 2020).

صرف نظر از اینکه ویروس کووید ۱۹ (کرونا) را ساخته و پرداخته آزمایشگاه‌های چین علیه آمریکا و اتحادیه اروپا بدانیم یا خیر، بایستی به تحلیلی بدور از هرگونه داوری ارزشی در خصوص رویکردها و سیاست‌های ترامپ در قبال این ویروس و بحران متعاقب آن در نظام ایالات متحده پرداخت و پیامدهای محتمل آن را برشمرد. به دیگر سخن، این مقاله جستاری است در راستای تجزیه و تحلیل این مسئله که مهمترین دلایل ناتوانی ترامپ در کنترل ویروس کرونا در آمریکا چیست؟ و چه بازخوردهایی را می‌توان برای دولت او در نظر گرفت؟ فرضیه نویسندگان با تاکید بر شخصیت خودشیفته ترامپ، نشان دهنده این مسئله است که ویروس کووید-۱۹ توطئه بزرگ چینی‌ها، سازمان‌های جهانی همچون سازمان جهانی بهداشت و دولت پیشین باراک اوباما علیه ایالات متحده است. از طرفی، به‌زعم ترامپ، با فراگیر شدن این بحران، طیف‌های سیاسی مخالف نیز وی را تحت فشار قرار داده تا عملکرد او را زیر سوال برده و در ادامه در انتخابات پیش‌روی آمریکا شکست وی را قطعی کنند، حال آنکه علت اصلی بحران کرونا در آمریکا را همانگونه که در ادامه می‌آید، دلایل دیگری شکل می‌دهند.

پیشینه‌شناسی

با توجه به بدیع بودن موضوع مقاله، بالطبع نمی‌توان مقاله یا کتابی را که در این رابطه به رشته تحریر درآمده است، برشمرد لکن برخی از موضوعات مرتبط با چالش‌سازی ترامپ در نظام سیاسی ایالات متحده علیه رقبای این کشور به اجمال تبیین می‌شود:

* محمدرضا بیگدلی در کتابی با عنوان «ترامپ: پدیده امریکایی، چالش جهانی»^۱ به بررسی ابعاد شخصیتی، روحیات اخلاقی و سیاست‌های مطمح نظر وی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در هشت فصل می‌پردازد. در فصل اول، رئیس‌جمهور منتخب انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا را معرفی و همچنین ویژگی‌های شخصیتی او را بررسی می‌کند. در فصل دوم، چگونگی پیروزی ترامپ را در انتخابات آمریکا مورد تبیین قرار داده و پایگاه اجتماعی وی را

۱. بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، ترامپ: پدیده امریکایی، چالش جهانی، تهران: انتشارات تیسرا.

ارزیابی کرده است. در فصل سوم دیدگاه‌های ترامپ با مبانی فکری یکی از مهم‌ترین طیف‌های سیاسی ایالات متحده، یعنی نومحافظه‌کاران، مورد تطبیق می‌گیرد. در فصل چهارم، چهره‌های مهم و تأثیرگذار کابینه ترامپ معرفی می‌شوند. در ادامه فصل پنجم سیاست خارجی دولت ترامپ را شرح نموده و رویکرد او را در این حوزه تحلیل می‌نماید. در فصل ششم در مورد جایگاه تصمیمات رئیس جمهور آمریکا در حوزه امنیت بین‌المللی بحث می‌کند. در فصل هفتم چگونگی تضعیف مکانیزم الگوی امنیت دسته جمعی توسط دولت ترامپ بیان می‌نماید و در نهایت در فصل هشتم به نظم‌های امنیتی مناطق مهم جهان که آمریکا در آن حضور فعالی دارد در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ اختصاص دارد.

* علی اشرف نظری و امیر ملایی مظفری در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی شخصیت سیاستمداران: مطالعه موردی دونالد ترامپ»^۱؛ ابتدا این مسئله را مطرح می‌کنند که با گذر شخصیت ترامپ از دوران نامزدی به دوران تصدی پست ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، می‌توان از ثبات برخی از تکنیک‌های سخنرانی وی، درکی روشمند پیدا کرده و بیش از گذشته بتوان آن را تحلیل کرد. پرسش اصلی مقاله این است که چگونه می‌توان رفتار ترامپ را از طریق منطق زبان‌شناختی - بلاغی و تکنیک‌های مندرج در آن درک، تحلیل و پیش‌بینی کرد؟ صرف نظر از میزان موفقیت ترامپ در رسیدن به اهدافش، او چندین تکنیک و تاکتیک خاص را برای القای مفاهیم مورد نظرش به کار می‌گیرد که منحصر به زمان رای جمع کردن وی نیست. بدین منظور، ده‌ها سخنرانی و مقاله برای پیدا کردن ظرافت‌های هدفمند در کلام ترامپ، بررسی شده است. هدف اصلی مقاله، ارائه تحلیلی زبان‌شناختی از ادبیات و محتوای سخنان ترامپ و فهم‌پذیر کردن برخی از ویژگی‌های شخصیتی او است.

* دن مک آدامز در کتابی با عنوان:

“The Strange Case of Donald J. Trump: A Psychological Reckoning”^۲

به بررسی وضعیت ذهنی و روانشناختی ترامپ پرداخته است. وی مهمترین مسئله در خصوص ترامپ را اشباع‌ناپذیری وی در تحقق هژمونیزم ایالات متحده نمی‌داند بلکه معتقد است ترامپ خود را به مثابه موجودی نجات‌بخش برای ایالات متحده در نظر می‌گیرد. به

۱. فصلنامه سیاست جهانی، بهار (۱۳۹۷)، دوره ۷، شماره اول، صص ۱۰۷-۱۳۷.

2. McAdams, D. (2020), *The Strange Case of Donald J. Trump: A Psychological Reckoning*, Oxford: Oxford University Press.

همین سبب، سه رویکرد کلان تحقیر در قبال رقبا، اطمینان از پیروزی و آگاهی کامل از دانش و تخصص تیم سیاسی خود را مهمترین ابزار موفقیت می‌داند. در نهایت نیز نویسنده شخصیت مبتنی بر خودشیفتگی ترامپ را در موارد بسیاری به ضرر جامعه ایالات متحده در نظر گرفته است و در این رابطه بیش از ۱۶ مورد به بررسی زوال دستاوردهای آمریکا از سوی ترامپ مبادرت نموده است.

* لئونارد کروز و جین شینودا بولن در کتابی با عنوان:

“A Clear and Present Danger: Narcissism in the Era of Donald Trump”¹

معتقدند که ظهور ترامپ، بسیاری از خطرات مرتبط با سوق یافتن آمریکا به سمت و سوی یک نظام اقتدارگرا را تشدید کرده است. نویسندگان بر این اساس به استنادات پزشکان و روانشناسان استناد کرده‌اند که رفتارهای ترامپ، بیش از آنکه مبتنی بر عقلانیت باشد مبتنی بر رفتارهای شخصی است. به همین سبب خودشیفتگی ترامپ، در ظاهر سیاست‌های وی را در راستای منافع همه مردم آمریکا تداعی می‌کند اما حقیقت ماجرا این است که ترامپ در وهله نخست به هیچ عنوان به توصیه دیگران اعتنایی نمی‌کند و اقدامات خود را به مثابه یک سیاست کامل و تمام عیار قلمداد می‌کند و در نهایت همه معضلات موجود در نظام آمریکا را به ناکارآمدی دموکرات‌ها مرتبط می‌داند. گویا تمامی مشکلات کنونی آمریکا تنها با معیارهای مورد نظر ترامپ حل خواهند شد و این مسئله بزرگترین تهدیدات نارسیستی ترامپ برای جامعه ایالات متحده خواهد بود.

نوآوری مقاله را می‌توان از ابعاد و زوایای ذیل برشمرد:

- تجزیه و تحلیل وضعیت ایالات متحده در بحران کرونا؛
- تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و دستاوردهای دولت ترامپ در مقابله با کرونا؛
- پیامدهای ضعف کارکردی دولت ترامپ در مبارزه و کنترل ویروس کرونا.

چارچوب نظری؛ تئوری توطئه کارن داگلاس^۲

تئوری توطئه مفهومی است که اشاره به طرح هرگونه دسیسه دارد. به دیگر سخن، تئوری

1 . Cruz, L and Bolen, J, (2016), *A Clear and Present Danger: Narcissism in the Era of Donald Trump*, New York: Chiron Publications.

2 . Karen Douglas

توطئه به منزله عدم اعتقاد به شکل ظاهری وقوع پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ... است (Swami and Coles, 2010: 561). در برداشت افراطی از تئوری توطئه، تمامی بحران‌ها و مشکلات در اثر دسیسه‌چینی پنهانی گروهی از قدرتمندان است. به این صورت که گروه کوچکی (در قالب نهاد، ساختار، حزب یا حتی کشوری) هستند که به سبب برخورداری از قدرت بالای سیاسی، اقتصادی و نظامی؛ بحران‌های را عمدتاً عامدانه وارد کشورها، نهادها و یا ساختارها می‌کنند تا به منافع خود دست یابند (Carey; Nyhan and Valentino, 2016: 3).

تئوری توطئه به‌رغم اینکه بیشتر در نظام‌های سیاسی در حال توسعه یا جهان سوم مرسوم است، اما در نظام‌های توسعه یافته غربی همچون ایالات متحده نیز وجود دارد، کم‌اینکه لنس دهاون / سمیت^۱ معتقد است مفهوم تئوری توطئه در سال ۱۹۶۴ میلادی و از سوی وارن کامیسن با انتشار چند داستان در نیویورک تایمز وارد زبان سیاسی آمریکا شد (DeHaven-Smith, 2014: 19). مهمترین کاربرد تئوری توطئه در ایالات متحده، مسائلی همچون موجودات فضایی که نمود بارز آن در فیلم‌های تخیلی هالیوود می‌باشد، تحلیل مرگ مشکوک مشاهیر آمریکایی، تروریسم مانند ترور جان اف کندی، مک کارتیسم و شیوع کمونیسم در آمریکا، واقعه ۱۱ سپتامبر و اسلام‌هراسی بوده است (Husting, 2015: 191-192).

بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته، تئوری توطئه را مبتنی بر دو اصل کلان می‌دانند: نخست، عدم آگاهی درست از وقوع پدیده‌ها و دوم ویژگی‌های ناهنجار روانی و شخصیت افراد (Mancosu; Vassallo and Vezzoni, 2017: 331). به همین دلیل مواردی همچون خودشیفتگی یا نارسسیم، رویکردهای ماکیاولیستی، پارانویا و فرافکنی، بسترسازان مهمی برای پذیرش و اعتقاد تئوری توطئه به شمار می‌روند (Van Prooijen, 2017: 55). نکته مهم این است رهبرانی که بر اینگونه تئوری‌ها اعتقاد دارند، عمدتاً سخنورانی قهار بوده و به شدت بر توده‌ها اثر گذارند (Krouwel; Kutiyski and Van Prooijen, 2017: 441-442).

به طور کلی، بر اساس پژوهش‌های انجام شده از سوی روانشناسان و تحلیلگران، ریشه‌های اصلی اعتقاد به تئوری توطئه بویژه در میان رهبران و سیاستمداران عبارتند از:

۱. خودشیفتگی یا نارسسیم؛
۲. انگیزه‌های ایدئولوژیکی یا نژادی؛

۳. کم‌اطلاعی، ناآگاهی، کم‌حوصلگی؛

۴. فرافکنی؛

۵. ایجاد حس رضایت درونی (Nyhan; Dickinson and Walmsley, 2016: 119).

یکی از نظریه‌پردازانی که در رابطه با مفهوم تئوری توطئه تحقیقات وسیعی انجام داده است، کارن داگلاس^۱ می‌باشد. وی ابتدا به این پرسش مهم که «چرا برخی افراد تا حد بسیار وسیعی به توطئه اعتقاد دارند؟» می‌پردازد و سپس چهار دلیل مهم را برای گرایش آنان به تئوری توطئه بر می‌شمارد:

- **نخست:** اصرار بر تصورات، دانسته‌ها و اطلاعات ناصحیح خود به مثابه منبع دقیق و کامل: در این رابطه، داگلاس معتقد است معتقدان به تئوری توطئه همواره برای پاسخ به هر مسئله‌ای دانسته‌های خود را به مثابه کامل‌ترین و دقیق‌ترین منبع اطلاعاتی تلقی کرده و لذا اطلاعات و دانسته‌های سایر افراد را به هیچ وجه قابل اعتنا و اتقان نمی‌دانند. در این میان، برخی از این گونه افراد، پس از شنیدن توضیحات علمی، مستند و یا منطقی به اشتباه خود پی برده و در ادامه نظریات خود را اصلاح می‌کنند اما برخی دیگر با تمسک به لجبازی و تاکید بر دانسته‌های خود، هیچگونه تغییری در اندیشه‌ها و متعاقب آن سیاستگذاری‌های خود ایجاد نمی‌کنند.

- **دوم:** تمایل دائمی به افشاگری علیه رقبا: یکی دیگر از شاخص‌های اصلی افرادی که همواره به تئوری توطئه متمسک می‌شوند، افشاگری علیه دیگران بویژه رقبا است. این مسئله در ادامه شاخص بخش اول می‌آید. به این صورت که چنین افرادی همواره به منابع اطلاعاتی خود در مقام کاملترین و بی‌نقص‌ترین داده‌ها می‌نگرند، لذا پس از بررسی چنین داده‌هایی، عملکرد رقبا (اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ...) مورد انتقادهای شدیدی واقع می‌گردد. در واقع، در اینجا تمامی عملکرد رقبا کاملاً منفی و بدون هیچگونه منفعتی تلقی شده و در ادامه، رقبا تهدید به افشاگری می‌کنند. داگلاس در اینجا معتقد است اصل دروغ و شایعه‌پراکنی چنین افرادی در این مرحله به اوج می‌رسد چرا که با خدشه‌دار کردن رقبا و زدن تهمت و افترا، سعی در ترسیم چهره‌ای خائن از رقبای خود در میان اذهان عمومی دارند و با رویکردی که کاملاً مبتنی بر تخریب است به رقبای خود می‌نگرند؛

سوم؛ تمایل فزاینده به کنترل همه امور: در نگاه داگلاس، همه انسان‌ها خواهان برخورداری از یک زندگی مرفه با سطوح بالایی از امنیت و توسعه می‌باشد. در این راستا، چنانچه واقعه‌ای حادث گردد که مسائل روزمره اقتصادی، امنیتی و حتی فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را تهدید کند، چنین افرادی آنرا با نگاهی کاملاً مبتنی بر توطئه می‌نگرند. از طرفی، به جای حل و فصل آن مسئله یا بحران و به علت ناآگاهی از چگونگی دلایل وقوع آن بحران، عملاً با سیاستگذاری‌ها و استدلال‌های خود به تعمیق تنش‌ها مبادرت می‌کنند. این مسئله خصوصاً زمانی تشدید می‌شود که حادثه مزبور به یک بحران اجتماعی دامنه‌داری منتهی شده باشد.

چهارم؛ تمایل فزاینده به ارائه تصویری معتبر، محبوب و نجات‌بخش از خود: معتقدین به تئوری توطئه همواره درصدد ارائه تصویری از خود به مثابه فردی نجبه، مطلع و گره‌گشا هستند. حتی در مواقعی که سیاست‌ها و تدابیر آنان با شکست مواجه شود نیز پیامدهای شکست را با یک توطئه دیگر جایگزین می‌کنند و علت ناکامی خود را مجدداً به توطئه دشمنان نسبت می‌دهند (Douglas and Leite, 2017: 490-493).

نکته مهمی که داگلاس در پایان به آن خاطر نشان می‌کند تبیین این مسئله است که آیا به لحاظ روانشناسی؛ باور به تئوری توطئه، نیازهای معتقدین به این مفهوم را برآورده می‌سازد یا خیر؟ پاسخ وی منفی است. داگلاس نتیجه می‌گیرد که احساس خطر فزاینده، ترس درونی، توسعه روزافزون دشمنی‌ها و در نهایت افزایش بی‌اعتمادی‌ها پیامدهای همیشگی افرادی است که به تئوری توطئه معتقدند (Douglas and Sutton, 2008: 215-216).

نتیجه‌ای که داگلاس در پایان مباحث خود می‌گیرد تأکیدی است بر این مفهوم که عمدتاً نمی‌توان معتقدین به این تئوری را در مدت زمانی اندک از مواضع و نگاه‌هایشان منصرف و یا اصلاح کرد. به دیگر سخن، در نگاه داگلاس، بسیار بعید است که چنین افرادی از مواضع خود عقب‌نشینی کنند چرا که بسته به نیازهایشان از حس افشاگری، کسب کنترل و چهره معتبر کاذب خود، همواره در برابر استدلال‌های منطقی و علمی مقاومت می‌کنند (Douglas; Sutton and Cichocka, 2017: 539). در واقع، جهانی‌بینی و انگیزه‌های چنین افرادی کاملاً متفاوت است، لذا بدیهی است که زبان سایر افراد را درک نکرده و حتی در مقام عناد و

دشمنی با آنان بریابند. پیشنهادی که داگلاس در این رابطه ارائه می‌دهد نیز مبتنی بر این اصل است که بهترین رویکرد این است که گام به گام و از کودکی، فرد را با روش منطقی، عقلانی و تفکر و استدلال منطقی آشنا نموده تا از این طریق، روش کار علم را آموخته و به این درک برسند که چگونه موضوعات مختلف را می‌توان تحلیل عقلانی کرده و میان یک توطئه فرضی و واقعیات کنونی و موجود، تمایز قائل شوند (Douglas, et.al, 2016: 70-71). این مقاله نیز با مبنا قرار دادن تئوری توطئه داگلاس، سعی دارد کژکارکردهای ترامپ در مسئله شیوع کرونا در ایالات متحده را مورد مذاقه قرار دهد.

معرفی ویروس کووید-۱۹ (کرونا)

کروناویروس^۱ شاخه مهمی از خانواده ویروس‌ها و زیر مجموعه کروناویروس^۲ به شمار می‌روند که نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی کشف شدند و آخرین نمونه آن کرونا ویروس سندرم حاد تنفسی است که در سال ۲۰۱۹ در ووهان چین شیوع یافت (Carol; Farhoud and DeConde, 2020: 331). این دسته از خانواده ویروس‌ها ذیل چهار زیرشاخه اصلی آلفاکرونا ویروس، بتاکرونا ویروس، دلتا کرونا ویروس، گاما کروناویروس قرار می‌گیرند و تاکنون بیش از چهل گونه از کرونا ویروس‌ها کشف شده است که از این تعداد هفت نوع از کروناها به انسان منتقل شده‌اند و بیماری‌های خطرناکی همچون سارس، مرس و کووید ۱۹ را ایجاد کرده‌اند (Chowkwanyun and Reed, 2020: 2).^۳ منشا اولیه کرونا ویروس‌ها حیوانات بوده‌اند. به عنوان مثال، عامل شیوع ویروس سارس، خفاش‌ها و گربه‌ها بوده‌اند که در ادامه به انسان‌ها نیز سرایت کردند.^۴ ویروس مرگبار مرس نیز که در خلال سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ در خاورمیانه بسترساز مرگ حدوداً ۱۰۰۰ نفر گردیده بود از شتر به انسان سرایت نمود (Naumann, 2019: 6). در خصوص کووید ۱۹ هنوز مشخص نیست که نخستین بار این ویروس آیا از طریق جانوران به انسان منتقل شده است یا از راه انتقال سطوح آلوده به ویروس، هرچند گمانه‌زنی‌هایی وجود

1. Coronaviruses
2. Coronaviridae

^۳. همچنین در این رابطه رجوع کنید به:

What is SARS-CoV-2? What is COVID-19?, European Centre for Disease Prevention and Control, accessible at: <https://www.ecdc.europa.eu/en/covid-19/questions-answers>.
4. Coronavirus Disease 2019 (COVID-19) Situation Report, World Wealth Organization, 24 April 2020.

دارد که نشان می‌دهد عامل انتقال ویروس کووید ۱۹ پانگولین^۱ بوده است. در نهایت در خصوص علائم این بیماری، بایستی اذعان داشت که از سرماخوردگی ساده تا تب و لرز، تنگی تنفس را شامل گردد. البته کرونا ویروس‌ها بر خلاف ویروس سارس تنها ارگان‌های تنفسی را با تهدید مواجه نمی‌کنند بلکه اندام‌های حیاتی دیگری همچون کلیه‌ها و کبد را نیز تحت تاثیرات سوء خود قرار می‌دهند (Nadeem, 2020: 9).

تجزیه و تحلیل بحران کرونا در نظام سیاسی ایالات متحده با تاکید بر شخصیت نارسبستی دونالد ترامپ

پیش از پرداختن به مسئله سیاست‌های ترامپ در قبال چین، بررسی جایگاه چین در نظم نوین جهانی و پیشرفت‌های این کشور بویژه از جنگ جهانی دوم هرچند به صورت مختصر ضروری باشد. به عبارت دیگر، تبیین این مسئله که چگونه چین به یکی از بزرگترین دغدغه‌های اقتصادی و سیاسی ترامپ مبدل گردیده گریزناپذیر است. به همین سبب در ذیل به اختصار به جایگاه چین در سیاست و اقتصاد بین‌الملل اشاره می‌شود.

پس از فروپاشی نظام دو قطبی، تعدادی از اندیشمندان روابط بین‌الملل، آمریکا را قدرت بلامنازع جهان معرفی کردند که علاوه بر آن توانایی جهت‌دهی به هنجارها و رویه‌های بین‌المللی را نیز به تنهایی دارا است. با این حال همچنان دیگر قدرت‌های بزرگ، تلاش خود را برای تغییر این وضعیت ادامه دادند. قدرت‌های بزرگ همیشه به عنوان یک رقیب بالقوه، جایگاه برتر آمریکا را تهدید می‌کنند. جمهوری خلق چین نیز یکی از قدرت‌های بزرگی است که توانایی‌های بالقوه‌اش فرصت تصاحب جایگاه دولت پیشرو در قرن بیست و یکم را به این کشور داده و از این رو باعث نگرانی استراتژیست‌ها و مقامات آمریکایی شده است. در نتیجه آمریکا در ابتدای دهه دوم قرن ۲۱، محور اصلی استراتژی امنیت ملی خود را از خاورمیانه به شرق آسیا منتقل کرد تا بتواند با این تهدید بالقوه به مقابله بپردازد. در حال حاضر ایالات متحده به تدریج زیرساخت‌های حضور فعال‌تر خود را در مناطق پیرامونی چین و بویژه در شرق آسیا فراهم کرده است اما هنوز رابطه این دو قدرت جهانی وارد مرحله تنش‌زای خود نشده است و هر دو کشور به آرامی خود را برای سال‌های آتی آماده می‌سازند (فتاحی،

تبارسوته و مهرورز، ۱۳۹۸: ۳۰). البته در کنار این مسئله، رویکرد اصلی ایالات متحده، پیگیری سیاست‌های ائتلاف‌سازی با کشورهای منطقه شرق آسیا (به نوعی همسایگان جمهوری خلق چین) است تا درصدد پاسخگویی و ایجاد موازنه در برابر قدرت روبه رشد چین برآید (بصیری و درج، ۱۳۹۸: ۱).

هنگامی که همه این مسائل در کنار تحولات عظیم کشور چین قرار داده شود، دامنه تهدیدات این کشور را برای ایالات متحده بهتر درک خواهیم نمود. در هر هشت سال، حجم اقتصاد کشور چین دو برابر افزایش یافته است به گونه‌ای که تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۱۹۷۸ که در حدود ۳,۱۴۷ میلیارد دلار بوده است به رقم حیرت‌انگیز ۱۳,۴۵ تریلیون دلار رسیده است. از طرفی چین، بزرگترین ذخیره پولی جهان را در اختیار دارد و بزرگترین تولید کننده و دومین کشور بزرگ مصرف کننده جهان قلمداد می‌گردد. بالاترین میزان پس‌انداز را در میان کشورهای جهان و دومین ارتش قدرتمند را در اختیار دارد. در چشم‌انداز ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌گردد که جمهوری خلق چین در تمامی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنری و زیست‌محیطی پیش‌تاز گردد، به همین دلیل می‌توان به پیش‌بینی ویلیام اورهلت^۱ که در حدود یک ربع قرن گذشته، چین را تهدیدی برای نظم لیبرال قلمداد کرد، صحنه گذاشت (کریمی، موسوی شفائی و اسلامی، ۱۳۹۸: ۲).



نمودار ۱: نمودار مقایسه‌ای تولید ناخالص ملی چین و آمریکا در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۳۰ میلادی (منبع: محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۴)

1. William Orhelt

ترامپ و تئوری توطئه کرونا از سوی جمهوری خلق چین

مجموعه سیاست‌های ناکارآمد ترامپ در قبال چین و شکست سیاست‌های اقتصادی در جنگ اقتصادی با این کشور منتهی به این مسئله گردید که ترامپ با مواضعی نژادپرستانه در خصوص مسئله کرونا که آغاز آن از ووهان چین بوده است، این کشور را مسئول اصلی شیوع ویروس کرونا در آمریکا بداند. ترامپ حتی بجای استفاده از ویروس کرونا از عنوان ویروس چینی استفاده کرد. این ادعا از سوی ترامپ در حالی مطرح می‌شود که حتی در آمریکا نیز ۴۲ درصد مردم بجای چین، سیاست‌های ترامپ را عامل شیوع این ویروس در کشورشان می‌دانند (Berenson, 2020: 1). نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز چنین ادعاهایی از سوی ترامپ را ناشی از تلاش وی برای انحراف افکار عمومی و آخرین تلاش‌ها برای نجات اقتصاد بحران‌زده آمریکا دانسته است. چین نیز در اقدامی تلافی‌جویانه ارتش ایالات متحده را مسئول شیوع ویروس کرونا دانست و اعلام داشت که نخستین بار ارتش آمریکا ویروس کرونا را وارد شهر ووهان چین کرده است (Rummler, 2020).

در حالی که به تعبیر نویسندگان، ریشه‌های اتهامات ترامپ به چین، ناکامی‌های ترامپ در جنگ اقتصادی با این کشور بوده است. به دیگر سخن، عدم پیروزی ترامپ در جنگ اقتصادی با چین که برعکس به ورشکستگی بخش‌های بزرگی از اقتصاد و کشاورزی آمریکا منتهی شده است، بسترساز اصلی این اتهامات بوده است. در ذیل این مسئله تجزیه و تحلیل می‌شود.

با روی کار آمدن ترامپ، این ایده شکل گرفته است که انتخاب وی و متعاقب آن قدرت‌یابی نیروهای پوپولیستی و مخالف جهانی شدن در غرب، ممکن است نشانه‌ای از تغییر پارادایم در نظم لیبرال بین‌المللی و بویژه موضوع چین و نظم لیبرالی باشد. به چالش کشیدن ناتو، اعلام جنگ تجاری با چین، ژاپن و مکزیک، تشویق و تحسین ساختار اقتدارگرایی روسیه از سوی ترامپ، از جمله اقداماتی است که نگرانی‌ها در مورد آینده نظام لیبرال و توانایی ایالات متحده آمریکا در مورد مدیریت نظم بین‌المللی و جلوگیری از شکل‌گیری جایگزین‌های جدید برای این نظم را افزایش می‌دهد (رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۲۸).

ترامپ در فرایند تبلیغات ریاست جمهوری، سیاست تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه خود را از

منظر ملی‌گرایی اقتصادی علیه چین مطرح کرد. از دیدگاه او باید با ایجاد موانع تجاری و افزایش تعرفه‌های گمرگی بر کالاهای وارداتی خصوصاً کالاهای چینی، از کالاهای آمریکایی حمایت نمود. از دیدگاه ترامپ اگر چین از مزایای پیوستن به سازمان تجارت جهانی سود برده است در عوض کارگران آمریکایی بیکار شده‌اند. ترامپ تاکنون غیردوستانه‌ترین رویکردها را در برابر چین از خود نشان داده و حتی عبارت «تجاوز بازرگانی به عنف» را در مورد روابط چین با آمریکا به کار برده است. ترامپ بر آن است که آمریکا با میدان دادن بیش از حد به قدرت‌های اقتصادی نوپا، بازارهای جهانی بیشتری به آنها واگذار می‌کند. اعتقاد بر این است که این ایستار، برآمده از نگاه مرکانتیلیستی او به بازرگانی خارجی به عنوان یک بازی با نتیجه برد و باخت است (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۲۹۳). ترامپ در مبارزات انتخاباتی سخن از خروج از روابط فرآقیانوسی (TPP)، خروج و یا توافق جدید در نفتا، معرفی چین به عنوان متقلب پولی و لزوم مقابله با آن خصوصاً در سازمان تجارت جهانی را مطرح نمود و وعده داد از تمام قدرت رئیس جمهوری خود برای مقابله با چین استفاده کند و مکزیک و چین را به ترتیب تهدید به اعمال تعرفه ۴۵ و ۳۵ درصدی نمود. در همین راستا در سال ۲۰۱۸، آمریکا تعرفه‌هایی به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار برای کالاهای چینی در نظر گرفت. این ایده به منظور جبران کسری تجاری با چین بود و چین را وادار به خرید کالاهای آمریکایی بیشتر می‌کرد، اما چین نیز پاسخ قدرتمندی به سیاست‌های اقتصادی ترامپ داد، به این صورت که دولت چین نیز با افزودن به تعرفه‌های خود بر واردات آمریکا، ضررهای زیادی به این کشور وارد کرد. از سوی دیگر، چین به مالیات دولت ترامپ در مورد فولاد وارداتی، آلومینیوم و الکترونیک با مالیات بر سویا، لبنیات، گوشت خوک، سیب و سیب‌زمینی در میان دیگر کالاهای آمریکایی واکنش نشان داده است. این سیاست متقابل به مثل چین باعث شد تا مجموعاً ۸۴ مزرعه بزرگ کشاورزی در آمریکا در فاصله ژوئیه ۲۰۱۷ و ژوئن ۲۰۱۸ ورشکستگی شوند. به گفته اقتصاددانان، کشاورز آمریکایی که ذرت، سویا، شیر و گوشت را تولید می‌کند به دلیل تقاضای جهانی پایین و قیمت پایین رنج می‌برند و جنگ تجاری ترامپ باعث بدتر شدن این مشکل شده است. در ماه سپتامبر ۲۰۱۸، کسری تجاری ایالات متحده با چین به بالاترین سطح خود یعنی ۴۳/۱ میلیارد دلار رسید (کیوان حسینی و

ترامپ؛ توهم توطئه و اتهامات وارده به دولت باراک اوباما

پس از فراگیر شدن بحران ویروس کرونا در جامعه آمریکا، ترامپ یکی از رویکردهای خود در عدم کنترل کرونا را متوجه دولت پیشین یعنی باراک اوباما نمود. در این راستا، ترامپ با تمسخر و تحقیر دولت پیشین آمریکا در مسائل بهداشتی، مفهوم «آزمایش‌های شکسته» را علیه باراک اوباما مطرح نمود و مسئول بخش مهمی از بحران کنونی کرونا را اوباما دانست (Cohen and Bonifield, 2020: 1-2). وی در اثبات این اتهام بزرگ، سندی ارائه نکرد و تنها با اتهام به دولت اوباما وی را مقصر شیوع کرونا در آمریکا قلمداد کرد. ترامپ در ادامه با قیاس مدیریت خود در قبال کرونا و مدیریت اوباما در دوران شیوع آنفلوآنزای خوکی، خود را تبرئه نمود. این در حالی است که در دوران اوباما کلاً ۱۲ هزار و ۴۶۹ نفر فوت شدند اما تاکنون بیش از صد هزار نفر در دوران مدیریت ترامپ در آمریکا بر اثر کرونا جان خود را از دست دادند. حتی پیشتر در ادعایی بزرگ، ترامپ مدعی شد که بر اساس اقدامات بسیار خوب دولتش، در بدترین حالت تعداد تلفات به ۶۰ هزار نفر نخواهد رسید ولی همانگونه که تحلیلگران اظهار داشته‌اند این مرگ و میر ممکن است تا ۲۰۰ هزار نفر هم افزایش یابد (Wilkie and Mangano, 2020: 3).

اوج بی‌اساس بودن ادعای ترامپ علیه دولت اوباما را می‌توان رویکردهای ضد اوبامایی ترامپ در الغای لوایح مبتنی بر پزشکی و بهداشتی در نظام آمریکا دانست. در ذیل به برخی از مهمترین اقدامات ترامپ در این رابطه اشاره می‌شود:

* الغای لوایح بهداشتی مصوب در زمان اوباما: لایحه «حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون به صرفه» مشهور به لایحه مراقبت مقرون به صرفه یا اوباما کر؛ از مهمترین قوانین بهداشتی فدرال می‌باشد. مقصود از این لایحه افزودن بر کیفیت و مقرون به صرفگی بیمه سلامت، کاستن از نرخ بیمه نبودن از طریق توسعه پوشش بیمه و کاستن از هزینه‌های مراقبت سلامت بود. این لایحه سازوکارهایی نظیر الزامات، یارانه‌ها و تبادلات بیمه را به وجود آورد. این قانون، بیمه کنندگان را مجبور می‌کند همه متقاضیان را پذیرش کنند، فهرست مشخصی از شرایط را

بپذیرند و بی توجه به شرایط از پیش موجود یا جنسیت، نرخ‌های مشابهی را مطالبه کنند. اداره بودجه کنگره در سال ۲۰۱۱ پیش‌بینی کرد این لایحه کسری بودجه‌های آتی و هزینه‌کرد مدیگر را کاهش خواهد داد (حریری، ۱۳۹۶). لغو طرح ملی خدمات درمانی اوباما موسوم به "اوباما کر" یکی از شعارهای انتخاباتی اصلی ترامپ بوده است. وعده‌ای که حتی در میان برخی از هم‌حزبی‌های رادیکال ترامپ در میان جمهوری‌خواهان با اعتراضات جدی مواجه شد چرا که طیف‌های بسیاری در آمریکا با این طرح به سطوح بالایی از بهداشت می‌رسیدند، به نحوی که تا ۴۰۰ هزار کودک بیمه خود را از دست دادند.^۱

* دومین اقدام ضعیف ترامپ در حوزه بهداشت جامعه آمریکا، افزایش بی‌سابقه افرادی است که در آمریکا فاقد بیمه بهداشتی شده‌اند. این رقم تا پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید در حدود ۱۰ درصد بوده ولی در حال حاضر این رقم به حدود ۱۴ درصد تا ابتدای سال ۲۰۲۰ رسیده است به دیگر سخن، از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده، بیش از هفت میلیون آمریکایی بیمه درمانی خود را از دست دادند. به همین سبب برنی سندرز و برخی دیگر از اعضای کنگره همچون کامالا هاریس^۲ نیز ترامپ را به دروغ‌گویی، خرابکاری و بازی با بهداشت و سلامت مردم آمریکا متهم کردند (Hellmann, 2020: 3).

* از دیگر اقدامات ترامپ در حوزه‌های بهداشتی آمریکا، تعطیلی برنامه «پردیکت»^۳ که در راستای مبارزه و مقابله با بیماری‌های ویروسی بویژه آنفلوآنزای مرغی بود. اقدامات ضد بهداشتی ترامپ در جامعه آمریکا تنها به موارد فوق خلاصه نمی‌شود. ترامپ همچنین دستور کاهش ۲۵۰۰ نفری پرسنل بهداشت و درمان فدرال را صادر کرد. وی در سال ۲۰۱۷ دستور کاهش چشمگیر بودجه مراکز کنترل بیماری‌ها^۴ و مؤسسات ملی بهداشت^۵ که جزء بخش‌های حساس و مهم فدرال در بخش‌های اورژانس بهداشت عمومی است را صادر نمود. از جمله اقدامات بحث برانگیز ترامپ، کاهش ۸۳۸ میلیون دلاری بودجه به موسسه ملی آلرژی و

۱. در این رابطه رجوع کنید به:

Trump Administration Actions Threaten People with Pre-Existing Conditions, State of Pennsylvania, Committee on Oversight and Government Reform U.S. House of Representatives October 2018, pp 1-11.

2. Kamala Harris

3. Predict

4. Centers for Disease Control

5. The National Institutes of Health

بیماری‌های عفونی^۱ است. به همین سبب چنین سیاست‌هایی از سوی ترامپ بستر ساز بحران و کاهش کارآمدی فاحش اداره منابع بهداشت و خدمات^۲ شده است و باز خورد آن ضعف مفرط در مبارزه ملی آمریکا با کرونا بوده است (Cohen, 2020: 2).

ترامپ؛ توهم توطئه و اتهامات وارده به سازمان جهانی بهداشت

از دیگر اقدامات مبتنی بر شخصیت خودشیفته ترامپ در مقابله با بیماری کرونا در جامعه آمریکا، وارد آوردن اتهامات بی‌استناد علیه سازمان جهانی بهداشت بوده است. ترامپ در همین زمینه ابراز داشت: «سازمان جهانی بهداشت اطلاعات اشتباه و غلط کشور چین را به جهانیان اعلام داشت. این اشتباه استراتژیک سازمان بهداشت جهانی، باعث مرگ هزاران نفر در آمریکا و جهان شد و من این خطای بزرگ را نخواهم بخشید و از دولت‌م می‌خواهم کمک‌های مالی به این سازمان را قطع کند. این در حالی است که پیشتر نیز ترامپ نشان داد هیچگونه تعهدی به اصول بهداشتی جهانی ندارد.

الف - سازمان جهانی بهداشت

پیش از شیوع کرونا، دونالد ترامپ بارها بودجه اختصاصی این نهاد مهم جهانی را کاهش داده بود. در حقیقت ترامپ علاقه‌ای به پرداختن به مسائل و نگرانی‌های بهداشت جهانی ندارد و اغلب در این زمینه‌ها دیدگاه‌های کارشناسان را نادیده می‌گیرد و اخیراً هم در بودجه پیشنهادی سال ۲۰۲۱ برای وزارت بهداشت و خدمات انسانی، ۳ میلیارد دلار از بودجه سازمان‌های مربوط به شناسایی، واکنش و آمادگی را کاهش داده است (Finnegan, 2020: 3). پس از شیوع کرونا نیز ترامپ در ادعایی جالب، سازمان جهانی بهداشت را متهم به همکاری با چین و عامل شیوع ویروس کرونا در جهان نامید و بلافاصله ۴۰۰ میلیون دلار دیگر از کمک‌های مالی آمریکا به این سازمان را کاهش داد.^۳ البته بایستی به این مسئله اذعان داشت که ترامپ همواره به دنبال کاهش حضور آمریکا در نهادهای مختلف سازمان ملل بوده

1. National Institute of Allergy and Infectious Diseases
2. Health and Services Resources Administration

۳. در این رابطه رجوع کنید به:

What does the WHO Do, and why has Trump Stopped Supporting it?, *The Guardian*, 12 May 2020.

است. در اکتبر سال ۲۰۱۷، ترامپ از یونسکو و سپس در سال ۲۰۱۸ میلادی از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد. انجمن پزشکی ایالات متحده نیز این اقدام آمریکا را یک اقدام خطرناک جهانی تلقی کرده که به جای مقابله با اصل مشکل کرونا به تشدید بحران آن خواهد انجامید. در خارج از آمریکا نیز دبیرکل سازمان ملل متحد، وزیر خارجه آلمان، دبیر اتحادیه اروپا و بسیاری دیگر از شخصیت‌ها این اقدام ترامپ را خطرناک قلمداد کردند (Klein and Hansler, 2020: 1-2). به نظر می‌رسد چنین اقدامات یک سوئیه‌ای از سوی ترامپ، بیش از آنکه نشانگر اقتدار ایالات متحده باشد، باز کردن راه‌های توسعه دیپلماسی کشورهای همچون چین و روسیه باشد که به تدریج جای آمریکا را در عرصه‌های مختلف بین‌المللی خواهند گرفت؛ کما اینکه پیشتر نیز چین و روسیه به خوبی نقش خود را در روند «دیپلماسی ماسک» در اروپا و سراسر جهان ایفا نمودند.^۱

ب- خروج از معاهده زیست‌محیطی پاریس

هدف اصلی این توافقنامه، ممانعت از رشد درجه حرارت متوسط در کره زمین از حدود ۱٫۵ درجه سانتیگراد با توجه به شاخص‌های مربوطه از دوران پیش از صنعتی شدن است. این سند، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تخصیص ۱۰۰ میلیارد دلار در سال به کشورهای در حال توسعه برای حل و فصل مشکلات محیط زیستی را در نظر گرفته است. بعد از سال ۲۰۲۵ هم برنامه‌ریزی شده تا این کمک مالی افزایش پیدا کند. البته توافقنامه پاریس از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست. آمریکا در این توافقنامه، متعهد شد که تا سال ۲۰۲۵ انتشار گازهای گلخانه‌ای در این کشور را به میزان ۲۸-۲۶ درصد از سطح آن در سال ۲۰۰۵ کاهش دهد و تا سال ۲۰۲۰ نیز ۳ میلیارد دلار به کشورهای فقیر کمک کند. آمریکا بعد از چین، دومین منشا انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان است. بر اساس اطلاعات کمیسیون اروپایی، در سال ۲۰۱۵ گازهای گلخانه‌ای منتشره در آمریکا بیش از ۵ تن بوده که به تنهایی بیشتر از کل گازهایی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتشر می‌کنند (Olivier, Schure and Peters, 2017: 24).

در ابتدای ژوئن ۲۰۱۷، رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که تصمیم گرفته تا از توافقنامه

۱. در این رابطه رجوع کنید به:

Trump Halts World Health Organization Funding over Coronavirus 'Failure', *The Guardian*, 15 May 2020.

آب و هوای پاریس خارج شود، برای اینکه وظیفه وی «دفاع از آمریکا و شهروندان آن» است و به گفته دونالد ترامپ، توافقنامه پاریس به نفع سایر کشورهاست و نه ایالات متحده، برای اینکه این سند مسئولیت مالی و اقتصادی سنگینی را بر عهده این کشور گذاشته است. ترامپ همچنین آماری را بیان کرد که بر اساس آن اجرای تعهدات این توافقنامه برای آمریکا به منزله از دست دادن ۷،۲ میلیون فرصت شغلی تا سال ۲۰۲۵ و همچنین ۴۴۰ هزار فرصت صنعتی در داخل کشور است. این مسئله برای دونالد ترامپ پذیرفتنی نیست که چین بتواند انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا ۱۳ سال دیگر ادامه دهد و هند میلیاردها دلار دریافت کند و بتواند انتشار این گازها را تا سال ۲۰۲۰ ادامه دهد. این خروج در حالی از سوی ترامپ صورت پذیرفت که در ایالات متحده، انرژی‌های تجدیدپذیر با فراز و نشیب در حال رشد است و فرصت‌های شغلی در این کشور را نیز تامین می‌کند. برخلاف انرژی زغال سنگی که ترامپ به خاطر آن از توافقنامه پاریس خارج شده، سهم آن در تولید ناخالص ملی آمریکا بسرعت در حال سقوط است. بدین ترتیب رئیس جمهوری آمریکا عملاً توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را در معرض خطر قرار داده و در این عرصه در حقیقت راه را برای کشورهایی مانند چین، هند و اتحادیه اروپا هموار می‌سازد (Tollefson, 2019: 2-3).

پیامدهای فراگیر شدن بحران کرونا در جامعه آمریکا برای ترامپ

بخش انتهایی مقاله تجزیه و تحلیلی است بر پیامدهای محتمل بحران کرونا بر آینده سیاسی ترامپ. در این راستا چند مسئله اصلی مطرح نظر قرار داده می‌شود:

۱- نخست آنکه ویروس کرونا یک بحران فراگیر بین‌المللی بوده است لذا حل و فصل آن نیاز به ائتلاف و همکاری‌های گسترده بین‌المللی دارد اما شخصیت ترامپ شخصیتی فردگرا و مبتنی بر سیاست‌های اقتدارگرایی است و نشان داده است که هیچگونه تعهدی به پیمان‌های دولتی و ائتلاف‌های جهانی ندارد. به همین سبب، نخستین پیامد این ماجرا را می‌توان انزوای بیش از پیش ترامپ در مبارزه با ویروس کرونا دانست. در واقع، ترامپ به هر نحوی سعی در اثبات این مسئله دارد که مجموعه تدابیر و سیاست‌های دولت وی، به گونه‌ای کارساز و کارگشا خواهند بود که بحران کرونا را بدون نیاز به کمک و همکاری دیگر کشورها حل و فصل می‌کند.

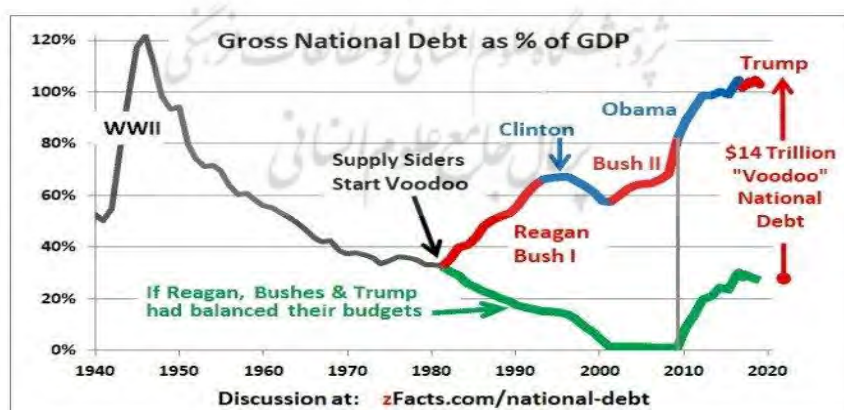
۲- کاهش شدید اعتماد مردم آمریکا به ترامپ: ترامپ همواره از خود به عنوان یک رئیس جمهور محبوب در میان مردم آمریکا سخن گفته است. این مسئله بویژه پس از انعقاد قراردادهای کلان تجاری و اقتصادی و ایجاد اشتغال برای طیف‌های وسیعی از بیکاران آمریکایی ملموس‌تر گردید، لکن پس از شیوع ویروس کرونا، ناکافی بودن ابزارهای بهداشتی و درمانی و افزایش چشمگیر قیمت کالاهای داروخانه‌ای تا ۵۰ درصد و مرگ بیش از ۱۰۰ هزار نفر نشان دهنده عمق بحران در جامعه آمریکاست. این مسئله را بایستی در کنار افزایش روزافزون جنگ روانی در میان مردمان آمریکا قرار داد به نحوی که هم اکنون ۶۰ درصد از مردم آمریکا بسیار نگرانند که خود و یا خانواده‌هایشان در معرض ویروس کرونا قرار گرفته و دولت ترامپ نیز در این راستا نمی‌تواند اقدام خاصی را انجام دهد. به همین سبب، کاهش شدید اعتماد مردم آمریکا به ترامپ را می‌توان دومین پیامد این مسئله دانست.

۳- افزایش مبتلایان به ویروس کرونا و مرگ و میرها: از زمان سخنرانی ترامپ در ماه‌های فوریه و مارس که مدعی شده بود ویروس کرونا هیچگاه به یک بحران در ایالات متحده مبدل نخواهد شد تا امروز که ایالات متحده در صدر مبتلایان و قربانیان کرونا قرار گرفته است، بیش از چهار ماه نمی‌گذرد. لذا این مسئله نشان دهنده بی‌اساس بودن ادعای ترامپ است. ترامپ هیچگاه به توصیه پزشکان و تحلیلگران ارشد ایالات متحده، سازمان جهانی بهداشت و دیگر کشورها توجهی نکرد. تحلیلگرانی که از افزایش روزافزون مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا تا ۲۰۰ هزار نفر هم سخن گفتند. به همین سبب، بایستی منتظر تعداد قربانیان و مبتلایان ویروس کرونا در ایالات متحده بود.

۴- ریاست جمهوری: یکی دیگر از پیامدهای ادعای ضدچینی دونالد ترامپ در خصوص شیوع ویروس کرونا، داغ شدن تنور انتخابات ۲۰۲۰ به نفع جمهوریخواهان می‌باشد. در این رابطه، دولت ترامپ یک هدف واقعی را دنبال می‌کند و آن هم صحنه‌سازی برای پیشبرد کارزار انتخاباتی ۲۰۲۰ به نفع ترامپ است. در واقع این کارزار در حال حاضر با ۳ مسئله مهم مواجه است: نحوه مدیریت بحران کرونا از سوی ترامپ، راهی برای برون‌رفت از تبعات اقتصادی آن و در نهایت، راهی برای خطاکار جلوه دادن چین. این ادعای ترامپ که چین قصد اختلال در روند انتخاباتی آمریکا به نفع پیروزی «جو بایدن» رقیب دموکرات را دارد نیز

از همین جا آب می‌خورد. به همین سبب، می‌توان ادعا کرد با توجه به صحنه‌سازی‌ها، انحراف اذهان عمومی و سرپوش گذاشتن بر سوء مدیریت‌ها به ویژه در دوران بحران کرونا از سوی ترامپ، شکست در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را برای وی رقم بزند (خرمایی، ۱۳۹۹: ۲-۱).

۵- بحران اقتصادی: اقتصاد آمریکا به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان با بیش از ۲۱ تریلیون دلار GDP بدون شک آسیب قابل توجهی از شوک تعطیلی کرونا دریافت خواهد کرد. برآوردها نشان می‌دهد هر یک‌ماه تعطیلی اقتصاد، نرخ رشد GDP را ۵ درصد کاهش می‌دهد. با تداوم روند فعلی به نظر می‌رسد تعطیلی اقتصاد آمریکا از ۳ تا ۴ ماه نیز فراتر رود که در این صورت، میزان کاهش تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۲۰ حداقل ۴ تریلیون دلار (رشد اقتصادی منفی ۲۰ درصد) خواهد بود. برخی پیش‌بینی‌های بدبینانه نیز رشد منفی ۳۴ درصدی را محتمل دانسته‌اند. از طرفی، بدهی ملی در اقتصاد آمریکا حداقل از دو جهت قابل توجه است. اول اینکه بیش از ۳۰ درصد این بدهی به عوامل خارجی است و نکته دوم اینکه به دلیل جهان‌روایی دلار، آمریکا می‌تواند به طور نامحدود دلار چاپ کرده و به اقتصاد جهان تزریق کند. اگر به هر دلیلی، میزان بدهی‌ها از جمله کاهش حجم تجارت جهانی و کاهش تقاضای مبادلاتی دلار برای مدت قابل توجهی در اقتصاد آمریکا تداوم یابد، این کشور در معرض مخاطرات اساسی قرار گرفته و اعتبار دلار با خدشه غیرقابل جبرانی مواجه خواهد شد (حسن‌خانی، ۱۳۹۹: ۲-۳).



نمودار ۱: نسبت بدهی ملی آمریکا به تولید ناخالص داخلی این کشور طی ۸۰ سال گذشته

از طرفی، دپارتمان نیروی کار آمریکا^۱ نشان می‌دهد تعداد بیکارشدگان با شیوع کرونا در آمریکا به ۲۶,۴ میلیون نفر رسید. این در حالی است که در اواخر مارس ۲۰۰۹ و به دلیل بحران مالی قبل، بالاترین رقم متقاضیان تسهیلات بیکاری از ۶۶۵ هزار نفر تجاوز نکرد (حسن‌خانی، ۱۳۹۹: ۴-۵).

آمریکا حدود ۱۶۰ میلیون نیروی کار دارد که برآوردهای اولیه حاکی است ۴۴ تا ۵۷ میلیون فرصت شغلی به دلیل تعطیلی‌های ناشی از کرونا در معرض خطر قرار دارد. بیشترین میزان ریسک شغلی (۴۲ درصد کل فرصت‌های شغلی در معرض نابودی) مربوط به خدمات اسکان و غذا و فروشندگان خرد است که به ترتیب حدود ۱۲,۵ و ۱۰ میلیون شغل در این دو دسته در معرض خطر قرار دارد. به دلیل آثار بلندمدت کرونا و تغییر آن بر رفتار مصرفی مردم، مشاغلی مانند خدمات غذا و اسکان تا مدت‌ها در جذب دوباره نیروی کار با مشکل مواجه خواهند بود (Long, 2020: 2-3).

سومین بحران اقتصادی ناشی از شیوع کرونا در ایالات متحده را بایستی در کاهش شدید شاخص سهام دوجونز دانست. بورس نیویورک در خلال این مدت به پایین‌ترین حد از زمان بروز بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۸ تاکنون رسیده است به نحوی که تحلیلگران اقتصادی زیان اقتصادی ناشی از ویروس کرونا را بیشتر از حادثه ۱۱ سپتامبر قلمداد کرده‌اند (Vinelli, Weller and Vijay, 2020: 1). بزرگترین بانک آمریکا هم با انتشار بیانیه‌ای، تعطیلی موقت بیش از هزار شعبه خود در سراسر آمریکا به دلیل شیوع کرونا اعلام کرده است (Gamble, 2020: 4).

۶- افزایش تنش‌ها و تعمیق جنگ سرد با چین: این مسئله می‌تواند ذیل مواردی همچون افزایش تنش‌های آمریکا در مسئله تایوان، تشدید حضور نظامی در منطقه شرق آسیا، مواضع آمریکا علیه چین در قبال مسئله هسته‌ای کره شمالی و در نهایت تشدید تنش‌های اقتصادی در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

این مقاله جستاری است از بررسی و تجزیه و تحلیل این مسئله که مهمترین دلایل سیاست‌های نادرست ترامپ در منع فراگیری کروناویروس در جامعه آمریکا چه بوده است؟

به دیگر سخن، مهمترین ضعف‌ها و کاستی‌های دولت ترامپ در قبال کرونا چیست؟ فرضیه نوشتار که با بهره‌گیری از تئوری توطئه می‌باشد بر این مسئله صحنه می‌گذارد که شخصیت سیاسی ترامپ از خودشیفتگی زیادی رنج می‌برد و این مسئله بارها از سوی روانشناسان و تحلیلگران زیادی مورد تاکید قرار گرفته است. چنین شخصیتی در برخورد با بحران‌های سیاسی، مجموعه‌ای از علل و عوامل بعضاً نامرتب را عامل یا عاملین اصلی وقوع آن بحران می‌پندارند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ضعف کارکردی و مدیریتی دونالد ترامپ، در قبال ویروس کرونا ناشی از چند علت کلان می‌باشد. **نخست؛** از یک سو ترامپ پس از آنکه در رقابت‌های اقتصادی با جمهوری خلق چین ناکام ماند و در این جنگ اقتصادی بسیاری از صنایع کلان و پایه‌ای ایالات متحده همچون کشاورزی با خسارت‌های عمده‌ای مواجه شد و از سوی دیگر از آنجا که شهر ووهان در چین مبدا ویروس کرونا بوده است، بهانه‌های لازم را به ترامپ داده تا چین را عامل شیوع ویروس کرونا در جهان معرفی کند تا از این طریق، بحران‌های اقتصادی فراگیر در جامعه آمریکا را به نوعی از اذهان عمومی این کشور منحرف کند. **دوم؛** شخصیت مبتنی بر غرور و خودشیفتگی ترامپ وی را بر آن داشت که جامعه ایالات متحده یکی از قدرتمندترین کشورها در زمینه‌های بهداشتی و پزشکی است و ویروس کرونا نمی‌تواند خسارت‌های زیادی را به این کشور وارد کند. به همین سبب وی در سخنرانی‌های خود در ابتدای فراگیر شدن کرونا بارها اعلام کرد، سیاست‌های اتخاذ شده بسیار خوب دولت وی در کنار قدرت پزشکی ایالات متحده هیچگاه این کشور را به بحران کرونا وارد نخواهد کرد. سوم؛ اصولاً ترامپ شخصیتی اقتصادمحور و درصدد پیشینه رساندن منافع اقتصادی ایالات متحده بوده است. به همین سبب وی از حضور در مجامع بین‌المللی که دارای ماهیت فرهنگی، هنر و بویژه بهداشت جهانی هستند، سرباز زده و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت این سازمان‌ها را تهدید به ترک و کاهش حمایت‌های مالی نموده است. در این رابطه سازمان جهانی بهداشت و پیمان پاریس قابل ذکرند. در نهایت نیز ترامپ با سیاست‌های پراگماتیستی خود در حوزه بهداشت فردی و عمومی ایالات متحده، سیاست‌های کاملاً اشتباهی را اتخاذ کرد. سیاست‌هایی که سه پیامد کلان را به همراه داشت:

۱- کاهش چشمگیر تعداد پرسنل نیروهای بهداشتی در فدرال؛ ۲- کاهش چشمگیر بیمه‌ها

و تسهیلات بهداشتی و ۳- لغو بسیاری از طرح‌های پزشکی مورد تصویب در دوران اوباما. بدیهی است چنین رویکردهایی از سوی ترامپ بسترساز وقوع این مسئله گردید که تعداد بسیار زیادی از مردم آمریکا از بیمه‌های درمانی و بهداشتی محروم مانده و شرایطشان در دوران شیوع ویروس کرونا به مراتب حادث‌تر و وخیم‌تر شد. در پایان هم برخی از مهمترین پیامدهای بحران کرونا بر ترامپ و دولت وی را می‌توان موارد ذیل دانست: کاهش شدید اعتماد مردم آمریکا به ترامپ، افزایش مبتلایان به ویروس کرونا و مرگ و میرها، ریاست جمهوری، بحران اقتصادی و در نهایت افزایش تنش‌ها و تعمیق جنگ سرد با چین.



منابع

الف- فارسی

- اشرف نظری، علی و ملایی مظفری، امیر، (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی شخصیت سیاستمداران: مطالعه موردی دونالد ترامپ»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۱.
- بصیری، محمدعلی و درج، حمید، (۱۳۹۸)، «تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا»، فصلنامه جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱.
- بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، ترامپ: پدیده امریکایی، چالش جهانی، تهران: انتشارات تپسا.
- رادگودرزی، معصومه و صفری، عسگر، (۱۳۹۸)، «نهادسازی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی و آینده نظم بین‌المللی لیبرال»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۳.
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۶)، روشنفکری و دینداری، تهران: انتشارات صراط.
- فتاحی، شهرام، تبارسوته، محمدسلیمان و مهرورز، عباس، (۱۳۹۸)، «مناسبات سیاسی-اقتصادی چین و آمریکا در بازی بزرگ قرن»، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال ۳، شماره ۵.
- کریمی، حمیدرضا، موسوی شنائی، مسعود و اسلامی، محسن، (۱۳۹۸)، «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل (زنجیره ارزش چین محور در برابر نظم آمریکایی)»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱.
- کریمی فرد، حسین، (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- کیوان حسینی، اصغر و نورانی، سید امیرسینا، (۱۳۹۸)، «ترامپ، جهت‌گیری «آمریکا اول» و اخلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۷-۲۰۱۹)»، فصلنامه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۲.
- مسعودنیا، حسین، فروزان، یونس، عالیشاهی، عبدالرضا، (۱۳۹۵)، «جابجایی قدرت در

عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولایتعهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۱.

- محمودی کیا، محمد، (۱۳۹۸)، «سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتو نظم نوین جهانی»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۳، شماره ۳.

سایت‌ها

- حسن خانی، حسن، (۱۳۹۹)، «کرونا و قمار اقتصادی ترامپ/تسهیل کمی؛ منجی یا نابود کننده اقتصاد؟»، خبرگزاری مهر، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/4908176>

- خرمایی، مریم، (۱۳۹۹)، «امپراتوری «مرداک» و شایعه‌سازی علیه چین / هدف انتخاب ترامپ است»، خبرگزاری مهر، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/4920755>

ب- انگلیسی

- Allen, L, (2016), "Sincerity, Hypocrisy, and Conspiracy Theory in the Occupied Palestinian Territory", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 48, No. 4.
- Alishahi, A and Soleimano, H, (2020), "The Challenge of Ansarullah's Increasing Power, and Donald Trump's Policies against Yemen", *Journal of Economics, Politics and Regional Development*, Vol. 1, No.1.
- Berenon, Tessa, (2020), President Trump's Re-election Strategy Is to Convince America He's the Man to Fix All This. Will It Work?, *Time*, 20 April 2020.
- Boot, M, (2020), "Trump can't Blame China for his own Coronavirus Failures", *Washingtonpost*, 4May 2020.
- Davis, J., Wetherell, G., and Henry, P, (2018), "Social Devaluation of African Americans and Race-Related Conspiracy Theories", *European Journal of Social Psychology*, Vol. 48, No. 6.
- DeHaven-Smith, L, (2014), *Conspiracy Theory in America (Discovering*

America), Dalls: University of Texas Press.

- Carey, J, Nyhan, B and Valentino, B, (2016), “An Inflated View of the Facts? How Preferences and Predispositions Shape Conspiracy Beliefs about the Deflategate Scandal”, *Journal of Research & Politics*, Vol. 3, No. 3.

- Carol, Yan; Faraji Farhoud, DeConde, Adams, (2020), Reply to “Self-Reported Olfactory Loss in COVID-19: is it really a Favorable Prognostic Factor?”, *International Forum of Allergy & Rhinology*, Vol. 34, No. 3.

- Chowkwanyun, Merlin and Reed, Adolph, (2020), “Racial Health Disparities and Covid-19- Caution and Context“, *The New England Journal of Medicine*, Vol. 383, No. 3.

- Cohen, Elizabeth and Bonifield, John, (2020), “Trump Falsely Claimed that Obama Administration Slowed Down Diagnostic Testing”, *CNN*, 6 March 2020.

- Cohen, Zachary, (2020), “Trump Administration Shuttered Pandemic Monitoring Program”, Then Scrambled to Extend it, *CNN*, 10 April 2020.

- Cruz, L; Bolen, J, (2016), *A Clear and Present Danger: Narcissism in the Era of Donald Trump*, New York: Chiron Publications.

- Douglas, K.M.; Sutton, R., and Cichocka, A, (2017), “The Psychology of Conspiracy Theories”, *Journal of Current Directions in Psychological Science*, Vol. 26, No. 6.

- Douglas, K. M., Leite, A. C, (2017), “Suspicion in the Workplace: Organizational Conspiracy Theories and Work-related Outcomes, *British Journal of Psychology*, No. 108.

- Douglas, K. M., Sutton, R. M, (2008), “The Hidden Impact of Conspiracy Theories: Perceived and Actual Impact of Theories Surrounding the Death of Princess Diana”, *Journal of Social Psychology*, No. 148.

- Douglas, K. M., et.al, (2016), “Someone is Pulling the Strings: Hypersensitive Agency Detection and Belief in Conspiracy Theories”, *Thinking & Reasoning*, No. 22.

- Ethlyn, W, (2018), “Did Charisma “Trump” Narcissism in 2016? Leader Narcissism, Attributed Charisma, Value Congruence and Voter Choice”, *Journal of Personality and Individual Differences*, Vol. 12, No. 6.

- Federico, M., Williams, A., and Vitriol, J, (2018), "The Role of System Identity Threat in Conspiracy Theory Endorsement", *European Journal of Social Psychology*, Vol. 48, No. 6.
- Finnegan, Conor, (2020), "Trump Budget Proposes Cuts to Global Health amid Two Global Health Crises", *Abcnews*, 13 February 2020.
- Gamble, Joelle, (2020), "A Survival Guide for the Coronavirus Economy", *The Nation*, 12 March 2020.
- Hellmann, Jessie, (2020), "Insurance Figures Give Democrats New Line of Attack against Trump", *The Hill*, 6 May 2020.
- Husting, Giana, (2015), "Conspiracy Theory in America", *Contemporary Sociology: A Journal of Reviews*, Vol. 44, No. 2.
- Jannace, W and Tiffany, P, (2019), "A New World Order: The Rule of Law, or the Law of Rulers?", *Fordham International Law Journal*, Vol. 45, No. 5.
- Klein, Betsy and Hansler, Jennifer, (2020), "Trump Halts World Health Organization Funding over Handling of Coronavirus Outbreak", *CNN*, 15 April 2020.
- Krouwel, A; Kutiyski, Y and Van Prooijen, J, (2017), "Does Extreme Political Ideology Predict Conspiracy Beliefs, Economic Evaluations and Political Trust?", *Journal of Social and Political Psychology*, Vol. 5, No. 2.
- Leiser, D., Duani, N., & Wagner-Egger, P, (2017), "The Conspiratorial Style in Lay Economic Thinking", *Journal of PLoS ONE*, Vol. 12, No. 3.
- Long, Heather, (2020), "U.S. Now has 22 Million Unemployed, Wiping out a Decade of Job Gains", *WashingtonPost*, 17 April 2020.
- Mancosu, M; Vassallo, S and Vezzoni, C, (2017), "Believing in Conspiracy Theories: Evidence from an Exploratory Analysis", *Journal of South European Society and Politics*, Vol. 22, No. 2.
- McAdams, D, (2020), *The Strange Case of Donald J. Trump: A Psychological Reckoning*, Oxford: Oxford University Press.
- McKenzie-McHarg, A, (2018), *Conspiracy Theory: The Nineteenth-Century Prehistory of a Twentieth-Century Concept, Conspiracy Theories and*

the People who believe them, New York: Oxford University Press.

- Nadeem, Sad, (2020), "CoronaVirus COVID-19: Available Free Literature Provided by Varoious Companies", *Journals and Organizations around the World Journal of Ongoing Chemical Research*, Vol. 5, No. 1.

- Naumann, J, (2019), "A Hypothesis and Evidence that Mercury May be an Etiological Factor in Alzheimer's Disease", *International Journal of Environmental Research and Public Health*, Vol. 16, No. 12.

- Nyhan, B; Dickinson, F and Walmsley, C, (2016), "Classified or Coverup? The Effect of Redactions on Conspiracy Theory Beliefs", *Journal of Experimental Political Science*, Vol. 3, No. 2.

- Olivier, J; Schure, K and Peters, J, (2017), *Trends in Global CO₂ and Total Greenhouse Gas Emissions*, PBL: Netherlands Environmental Assessment Agency.

- Pincus, A. and Lukowitsky, R, (2010), "Pathological Narcissism and Narcissistic Personality Disorder", *Journal of Annual Review of Clinical Psychology*, Vol. 6, No. 4.

- Rummel, Orion, (2020), "Pelosi and McConnell Reject Additional Coronavirus Tests for Congress", *Axios Press*, 2 May 2020.

- Sapountzis, A., & Condor, S, (2013), "Conspiracy Accounts as Intergroup Theories: Challenging Dominant Understandings of Social Power and Political Legitimacy", *Journal of Political Psychology*, Vol. 43, No. 5.

- Senior, J, (2020), "This Is What Happens When a Narcissist Runs a Crisis", *NewYork Times*, 5April 2020.

- Swami, V and Coles, R, (2010), "The Truth is Out There: Belief in Conspiracy Theories", *Journal of Psychologist*, Vol. 23, No. 7.

- Tollefson, Jeff, (2019), "It's Official: Trump Begins Process to Exit Paris Climate Agreement", *The Nature News*, November 4.

- Van Prooijen, J, (2017), "Why Education Predicts Decreased Belief in Conspiracy Theories", *Journal of Applied Cognitive Psychology*, Vol. 31, No. 1.

- Vinelli, Andres; Weller, Christian and Vijay, Divya, (2020), *The Economic Impact of Coronavirus in the U.S. and Possible Economic Policy*

Responses, Washington D.C: Center for American Progress.

- Werner, E and DeBonis, M, (2020), “Worried that \$2 Trillion Law wasn’t Enough, Trump and Congressional Leaders Converge on Need for New Coronavirus Economic Package”, *Washingtonpost*, 7 April 2020.

- Wilkie, Christina and Mangan, Dan, (2020), “Trump Blames Obama for Lack of Coronavirus Tests: ‘I don’t Take Responsibility at All’”, *Cnbc Press*, 14 March 2020.

- Yablokov, I, (2018), *Fortress Russia: Conspiracy Theories in the Post-Soviet World*, Cambridge: Cambridge Polity Press.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی